

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## وجوه اشتقاق و معانی اسم فاطمه سلام الله علیها در روایات

فاطمه اعتصامی رنانی<sup>۱</sup>

### چکیده

این مقاله به بررسی عمیق و چندوجهی نام «فاطمه» از اسامی مبارک حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) با استناد به روایات، منابع لغوی و تفاسیر بزرگان می‌پردازد. هدف اصلی، تبیین این نکته است که این نام صرفاً لفظی برای اشاره نیست، بلکه دریچه‌ای به سوی شناخت حقیقت، مقام معنوی و جامعیت وجودی آن بانوی بی‌همتا و تجلی‌ای از اسماء و صفات الهی به شمار می‌رود. مقاله با تمرکز بر نام محوری «فاطمه»، ضمن بررسی ریشه لغوی «فَطم» (جدا کردن)، به چهارده وجه معنایی روایی آن، از جمله اشتقاق از اسم الهی «فاطر»، نقش ایشان در ظهور خلقت، جدا شدن مخلوقات از معرفت کامل ایشان، و جدایی خود ایشان از هرگونه شر و نقص می‌پردازد. این نام در ارتباط با نظام تکوین، تشریع و حرکت استکمالی انسان تحلیل می‌شود و بُعدی از کمالات و مقامات معنوی آن حضرت را آشکار می‌سازد. مقاله در نهایت نتیجه می‌گیرد که تعدد و غنای معانی این نام مبارک، نشان‌دهنده عظمت، جامعیت مقامات و نقش بی‌بدیل حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) در نظام آفرینش، هدایت و سلوک الی الله است و شناخت این ابعاد، راهی به سوی معرفت عمیق‌تر توحیدی و تقرب به ساحت قدس الهی می‌گشاید.

کلیدواژه‌ها: اسامی فاطمه، فاطمه زهرا، اشتقاق ادبی، اشتقاق تکوینی فاطمه، وجوه معنای فاطمه.

---

۱. موضوع فعالیت: مقاله پایانی ۱، سطح: ۲

مقطع تحصیلی: ترم دوم سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴.

رشته: دوره عمومی سطح ۲

شماره تحصیلی ۹۶۱۲۲۰۰۱۹۰

نام مدرسه: قم مرکز آموزش های غیر حضوری

پست الکترونیکی: ([sarir.hm313@gmail.com](mailto:sarir.hm313@gmail.com))

## مقدمه

### وجوه اشتقاق و معانی اسم «فاطمه» در روایات

در گستره‌ی بی‌کران معارف اسلامی، شناخت حقیقت و مقام اهل‌بیت (علیهم‌السلام)، به‌ویژه حضرت فاطمه زهرا (علیها‌السلام)، جایگاهی بس بلند دارد. راه‌یابی به معرفت حضرت فاطمه زهرا (علیها‌السلام)، نه تنها گشودن دریچه‌ای به سوی معرفت انسان کامل، بلکه ره یافتن به دریای توحید و شناخت اسماء و صفات الهی است.

نام مبارک فاطمه (علیها‌السلام) و دیگر اسامی و القاب آن حضرت، دریایی موّاج از معانی ملک و ملکوت، و اقیانوسی سرشار از اسرار و معارف الهی است. این نام‌ها نه فقط الفاظی برای اشاره به یک شخصیت، بلکه نشانه‌هایی از حقیقتی نورانی است که از عالم اسماء الهی تنزل یافته و بر وجود مبارک حضرت زهرا (علیها‌السلام) تجلی یافته است.

تعدد اسامی حضرت زهرا (علیها‌السلام)، خود نشانه‌ای از عظمت و سعه‌ی وجودی آن بانوی بی‌نظیر است؛ اسامی که هر یک بیانگر بُعدی از حقیقت و مقام معنوی ایشان بوده و سرشار از معانی بلند توحیدی و عرفانی است.

در روایات اسلامی، برای حضرت فاطمه زهرا (علیها‌السلام) اسامی متعددی بیان شده است، از جمله: فاطمه، زهرا، صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیّه، راضیه، مرضیه، محدّثه، بتول و کوثر.

هر یک از این اسامی، ریشه در عالم ملکوت دارد و در هر کدام، رمزی از کمالات و فضائل آن حضرت، نهفته است؛ تا آن‌جا که شناخت ابعاد معنوی هر اسم، راهی به سوی معرفت حقیقی حضرت فاطمه زهرا (علیها‌السلام) و تقرّب به ساحت قدس الهی می‌گشاید.

از سوی دیگر، فلسفه و حکمت تعدّد نام‌ها، نشانه‌ای از جامعیت و گستردگی مقامات اهل‌بیت (علیهم‌السلام) است؛ چنان‌که در روایات آمده، این اسامی از جانب خداوند و با حکمت الهی برگزیده شده‌اند تا تمام شئون وجودی و نقش هدایت‌گری ایشان را بر بشر آشکار سازند.

شناخت و تأمل در وجوه اشتقاق و معانی این اسامی، نه تنها برای تبیین جایگاه بی‌همتای حضرت زهرا (علیها‌السلام) ضرورت دارد، بلکه چراغ راهی برای سلوک معنوی، تهذیب اخلاق و معرفت دینی هر

انسانِ جویایِ حقیقت خواهد بود.

در این مقاله تلاش می‌شود تا با مراجعه به روایات، منابع لغوی و بیانات بزرگان، وجوه اشتقاق و معانی اسم فاطمه از اسامی حضرت زهرا(علیهاالسلام) بررسی گردد و فلسفه و آثار آن تبیین شود؛ باشد که گامی هرچند کوچک در مسیر شناخت و محبت آن بانوی عظیم‌الشأن برداشته شود.

## اسم «فاطمه»

نام مبارک «فاطمه» (علیها السلام)، نه تنها شریف‌ترین و جامع‌ترین نام برای آن بانوی بی‌همتاست، بلکه دریایی موج از اسرار، معانی توحیدی و حقایق عرفانی است که همه القاب و صفات دیگر حضرت را در خود جای داده است. این اسم، پیش از تولد جسمانی حضرت زهرا (علیها السلام)، از عالم ربوبی و از اسم الهی «فاطر» - که به معنای خالق و پدیدآورنده است - مشتق شده و به فرمان خداوند بر وجود شریف ایشان نهاده شد؛ چنان‌که در روایات آمده، این نام را خدای متعال خود برگزیده و حقیقت آن را جلوه‌ای از اسم اعظم و مظهر تمام اسماء و صفات الهی قرار داده است.

در عظمت و جایگاه این اسم همین بس که همه شئون وجودی حضرت زهرا (علیها السلام) و تمام کمالات انسانی و الهی در آن مندرج است. نام فاطمه، همانند اسم جلاله «الله»، دایره معانی وسیعی را در بر گرفته و از عوالم عالیه تا عوالم دانیه، از جبروت و ملکوت تا عالم دنیا، جلوه‌گر حقیقت ولایت و واسطه فیض الهی در آفرینش است. در حقیقت، معرفت این اسم مقدس، راهی است به سوی شناخت مقام انسان کامل و رمز ورود به دریای بی‌پایان اسماء و صفات ربوبی.

از سوی دیگر، نام فاطمه (علیها السلام) نه تنها در لغت و اشتقاق، بلکه در روایات اهل بیت (علیهم السلام) نیز دارای معانی عمیق و وجوه گوناگونی است که هر یک ناظر به بُعدی از مقام و حقیقت آن حضرت است؛ به گونه‌ای که در احادیث، چهارده وجه برای این اسم بیان شده است که پنج وجه به معنای اسم فاعلی (جداکننده و منع‌کننده)، نه وجه به معنای اسم مفعولی (جداشده و منع‌شده)، تفسیر گردیده است.

در ادامه، به تبیین معنای لغوی این اسم، سپس تقسیم آن به معنای فاعلی و مفعولی، و در نهایت شرح وجوه روایی و تفسیری آن خواهیم پرداخت تا گوشه‌ای از دریای بی‌کران معارف نهفته در نام مبارک حضرت «فاطمه» (علیها السلام) آشکار گردد.

## ریشه لغوی «فطم»

واژه «فطم»، در زبان عربی، فعلی متعدی است و به معنای بریدن، جدا کردن و قطع نمودن به کار می‌رود. نمونه کاربرد آن در عبارت «فطمت الأمُّ طفلها عن اللبن بالغذاء» است؛ یعنی مادر با غذا کودک خود را از شیر گرفت. در این مثال، مادر، «فاطمه» (جداکننده)؛ کودک، «مفطوم» (جداشده)؛ شیر، «مفطوم» (آنچه

از آن جدا شده)؛ و غذا، «مفطوممه به» (وسیله جدایی) است. همچنین درباره اشياء، مانند «فُطِمَتِ الحبل» به معنای بریده شدن و جدا شدن ریسمان به کار می رود.

### اسم فاعل و اسم مفعول

اسم «فاطمه» در اصل، اسم فاعل مؤنث از ریشه «فطم» است و معنای اصلی آن «قاطع»، «مانعه» و «فاصله» یعنی قطع کننده، منع کننده و جداکننده است.

در زبان عربی، گاه اسم فاعل به معنای اسم مفعول نیز به کار می رود؛ مثلاً کلمه «راضیه» در آیه «فی عیشه راضیه» (حاقه: ۲۱) به معنی «مرضیه» (پسندیده) آمده است. از این رو، «فاطمه» می تواند معنای اسم مفعولی هم داشته باشد؛ یعنی «مقطوعه»، «ممنوعه» و «مفصوله» (بریده شده، منع شده و جدا شده).

### وسعت معنایی

نام «فاطمه»، علاوه بر معنای صرف لغوی، در فرهنگ اسلامی و ادبیات دینی، حامل معانی عمیق تری است. این نام، به دلیل اشتقاق از اسم الهی «فاطر» و قرار گرفتن در مجموعه اسماء اهل بیت (علیهم السلام)، دایره معنایی گسترده ای یافته که هم بُعد فاعلی (جداکننده و واسطه فیض) و هم بُعد مفعولی (جدا شده از نقص و عیب و دنیا) را در بر می گیرد.

## معانی روایی اسم فاطمه (علیها السلام)

در روایات معصومین (علیهم السلام)، برای اسم مبارک فاطمه، چهارده معنا، بیان شده است:

### وجه اول: فاطمه به معنای فاطر السموات و الارض

یکی از معانی نام مبارک فاطمه در عالم عالی‌هی وجود، «فاطر» است. نام فاطمه (علیها السلام) مشتق از «فاطر» می‌باشد. فاطمه، جداکننده‌ی اشیاء از ظلمت عدم است و به برکت وجود شریف او، مخلوقات به عرصه‌ی وجود آمده‌اند. فاطمه (علیها السلام)، مظهر خالقیت خداوند است و اولین جلوه و طلوع فاطریت حق می‌باشد.

خداوند فرمود: «هذه فاطمة و أنا فاطر السموات و الارض.» (استرآبادی، ۱۴۰۹، ص. ۴۸)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «... و شقّ لك يا فاطمة اسماً من أسمائه، فهو الفاطر وأنت

فاطمة.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۷، ص. ۴۷)

«فسمانا الله بخمسة أسماء من أسمائه: الله المحمود و أنا محمد، و الله العلی و هذا علی، و الله الفاطر و

هذه فاطمة، و الله ذو الإحسان و هذا الحسن، و الله المحسن و هذا الحسين.» (جوهری بصری، بی‌تا، ص. ۶)

«ثم سمانا بخمسة أسماء من أسمائه: فالله المحمود و أنا محمد، و الله العلی و هذا علی، و الله الفاطر و هذه

فاطمة، و الله ذو الإحسان و هذا الحسن، و الله المحسن و هذا الحسين.» (طبری آملی صغیر، ۱۴۱۳، ص. ۴۴۸)

### اشتقاق نام فاطمه از اسم فاطر خدا

کلمه‌ی فاطمه از کلمه‌ی فاطر مشتق شده که یکی از اسماء قرآنی خداوند است. در این اشتقاق، حرف

«راء» به «میم» و «تاء» تغییر یافته است. این اشتقاق علاوه بر جنبه‌ی ادبی، جنبه‌ی تکوینی نیز دارد. حقیقت

علمی و معنوی این حروف، از اسم فاطر گرفته شده، و حقیقت عینی آن نیز از اسم فاطر خداوند، مشتق

است.

### فاطمه زهرا (علیها السلام)، واسطه فیض برای اسم فاطر

حضرت زهرا (علیها السلام) در مقام ظهور در عالم خلقت از اسم فاطر خدا مشتق شده است، اما در مقام

کنه و باطن حقیقت، بالاتر از اسم فاطر می‌باشد و مظهر اسم جامع «الله» است. حضرت زهرا (علیها السلام)،

واسطه رسیدن فیض حق تعالی به عالم اسماء الهی است و حقیقت او بر عالم اسماء احاطه دارد. اسم فاطمه، علاوه بر مفهومی که در ذهن می‌آید، یک حقیقت عینی نیز دارد که عظمت و وسعت آن به اندازه‌ی خلقت خداوند است و همه‌ی اسماء الهی را در دل خود جای می‌دهد.

## اقسام اشتقاق

### ۱. اشتقاق تکوینی

در روایات آمده است که نام مبارک پنج‌تن (علیهم السلام)، اسمی از اسماء الهی است. درباره‌ی حضرت زهرا (علیها السلام) نیز خداوند فرمود: «شَقَّ لَکَ یا فاطمةُ إسمًا من أَسْمَاءِ فَهوَ الْفَاطِرُ وَ أَنْتَ فَاطِمَةُ.» (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ص. ۵۵)

این «شَقَّ» به دو معنا تفسیر شده است:

۱. شکافتن: مانند شکافتن خاک که گیاه از آن ظاهر می‌شود یا شکافتن دانه که درخت سر برمی‌آورد.
  ۲. طلوع و ظهور: مانند شکافتن لثه که دندان طلوع می‌کند.
- در اشتقاق تکوینی، حقیقت فاطمه (علیها السلام) از اسم فاطر طلوع کرده و به کمال رسیده است. همان‌گونه که دانه شکافته می‌شود و به درختی جامع با شاخه‌های فراوان تبدیل می‌شود، اسم فاطر شکافته شده و نام فاطمه (علیها السلام) به عنوان مجمع اسماء کلیه الهیه، ظهور کرده است.

### مراتب کمال

اسم فاطر، مخلوقات را در قوس نزول، به عالم خلقت می‌آورد، اما حقیقت حضرت زهرا (علیها السلام) علاوه بر قوس نزول، مخلوقات را در قوس صعود به عالم الهی باز می‌گرداند. از این رو، حقیقت فاطمه (علیها السلام)، از اسم فاطر، برتر است و مظهر تمام اسماء الهی می‌باشد.

### ۲. اشتقاق ادبی

در ادبیات عرب، سه نوع اشتقاق، وجود دارد:

۱. اشتقاق صغیر: مشتق شامل حروف اصلی مشتق‌منه است و ترتیب حروف نیز لحاظ می‌شود (مانند

«ضرب» و «ضارب».

۲. اشتقاق کبیر: مشتق شامل حروف اصلی مشتق‌منه است، اما ترتیب حروف لحاظ نمی‌شود (مانند «حمد» و «مدح»).

۳. اشتقاق اکبر: مشتق بیشتر حروف اصلی مشتق‌منه را دارد، اما در یک حرف اختلاف وجود دارد (مانند «ثلث» و «ثلب» یا «فطر» و «فطم»).

### اشتقاق نام فاطمه (علیها السلام)

اشتقاق نام فاطمه (علیها السلام) از اسم فاطر، از نوع اشتقاق اکبر است. در این اشتقاق، حرف «راء» که نشان‌دهنده‌ی قوس نزول است، به حرف «میم» تبدیل شده است؛ «میم» نشان‌دهنده‌ی دو قوس نزول و صعود و نیز نمایانگر مُلک خدا است. این اشتقاق، اشاره به برتری حقیقت فاطمه (علیها السلام) بر اسم فاطر دارد.

### ظهور نور فاطمی در نظام تکوین و تشریع

#### ارتباط نظام تکوین و تشریع

نور فاطمه زهرا (علیها السلام)، هم در نظام تکوین و هم در نظام تشریع، حضور دارد. این دو نظام با یکدیگر، مرتبط بوده و هر دو برخاسته از عالم اسماء و صفات الهی هستند.

**نظام تکوین:** خلقت همه‌ی موجودات از اسماء الهی سرچشمه گرفته است.

**نظام تشریع:** احکام الهی نیز از نظام تکوین برخاسته و منطبق با آن هستند. دین الهی با فطرت انسان و تمام خلائق هماهنگ است؛ به گونه‌ای که هر آنچه در خلقت ضرر دارد، حرام است و هر چه مصلحت دارد، واجب است.

در دین کامل اسلام، تمام زوایای خلقت انسان و موجودات، سنجیده شده، و نظام تشریعی اسلام، جامع تمام کلمات عالم آفرینش است.

### تطابق نظام اسماء، تکوین و تشریع

ظهور نور فاطمه زهرا(علیهاالسلام) در نظام تکوین و تشریع، جلوه‌ای از تطابق نظام اسماء الهی با نظام خلقت و تشریع است.

**نظام تکوین:** عالم اسماء الهی در خلقت موجودات ظهور کرده است.

**نظام تشریع:** احکام الهی نیز مظاهر اسماء خداوند هستند.

نور فاطمه زهرا(علیهاالسلام) که جلوه‌ی نور فاطر است، در تمام خلقت و نظام تکوین و تشریع حضور دارد و به بیان فلسفی، هر معلول جلوه‌ی کمالات علت خود است.

### نور فاطمی و فطرت انسان

نور فاطمه زهرا(علیهاالسلام) در فطرت انسان‌ها ظهور کرده است.

**فطرت انسانی:** فطرت انسان نور است و این نور، جلوه‌ای از نور سفید فاطمه زهرا(علیهاالسلام) است. نور سفید به فطرت اصلی و اولیه اشاره دارد که تعیین و رنگ ندارد.

**مظاهر فطرت:** در فطرت انسان، توحید، رسالت و ولایت ظهور دارد؛ چراکه فطرت، جلوه‌ی حقیقت این مفاهیم است.

### مقام اول: نور فاطمی در نظام تکوین (جلوه فاطر در فطرت)

ظهور نور فاطمه(علیهاالسلام) در فطرت:

هر خالق و فاطری در خلقت و فطرت مخلوقات خود ظهور دارد. نور فاطمه(علیهاالسلام) نیز به عنوان جلوه‌ای از نور فاطر، در فطرت انسان‌ها نمایان شده است. این حقیقت نه تنها در توحید ظهور دارد، بلکه در شهادت «لا اله الا الله»، «محمد رسول الله»، و «علی ولی الله» نیز تجلی کرده است.

روایت:

پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) فرمودند: «ثم فتق نور ابنتی فخلق منه السماوات والأرض، فالسماوات

والأرض من نور ابنتی فاطمه، ونور ابنتی فاطمه من نور الله.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۵، ص ۱۰)

(سپس نور دخترم فاطمه را شکافت و از آن آسمان‌ها و زمین را خلق کرد، و نور دخترم فاطمه از نور

خداوند است.)

قدر انسان‌ها:

مقام ولایت در انسان‌ها ظهور دارد و باید اعضا و جوارح انسان همچون چشم، گوش و زبان، جلوه‌ای از خداوند باشند.

### مقام دوم: نور فاطمی در نظام تشریع (جلوه فاطر در دین)

ظهور نور فاطمه (علیها السلام) در دین:

حقایق دین، شامل عقاید، اخلاق و اعمال، در شخصیتی تجلی کرده که حقیقت دین را نمایان ساخته است. این شخصیت، اسوه‌ای کامل در ابعاد عقلی، قلبی و رفتاری است. انسان کامل که مظهر فاطریت حق تعالی است، واسطه‌ای است در قوس نزول و قوس صعود. بنابراین حقیقت دین، به عنوان اسوه و حجت، جلوه‌ای از فاطریت است.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ» (بینه: ۵). «هِيَ فَاطِمَةُ» یعنی دین قیّم همان فاطمه (علیها السلام) است. (استرآبادی، ۱۴۰۹، ص. ۸۰۰)

### اتّحاد فطرت و دین

نظام تشریع (دین) بر اساس مصالح و مفاسد عالم تکوین شکل گرفته است. برای درک این نظام، دو علم ضروری است:

### شناخت فطرت انسان

شناخت تکوینیات (خلقت موجودات)

«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَمَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ لِلدِّينِ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم: ۳۰)

(پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند انسان‌ها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ این است آیین استوار، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.)

### وجه دوم: «لأن الخلق فطموا عن معرفتها»

فاطمه (علیها السلام) یعنی کسی که در مقام عزّت و احتجاب، خلاق را از معرفت ذات حقیقی خود

بازداشته است. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا». (کوفی، ۱۴۱۰، ص. ۵۸۱)

کلّ عالم خلق، از انبیا و ملائکه، از معرفت کنه ذات حضرت فاطمه (علیها السلام) بازداشته شده‌اند. تنها انسان الهی که به معرفت حقّانی دست یافته و علم لدنی دارد، می‌تواند به شناختی از این مقام برسد. امام علی (علیه السلام) فرمودند: «معرفتی بالنورانیة معرفة الله عز وجل، و معرفة الله عز وجل معرفتی بالنورانیة». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۶، ص. ۱۰)

معرفت به فضائل حضرت فاطمه (علیها السلام) و محبت به ایشان، شرط تکامل است. حضرت فاطمه (علیها السلام)، صدیقه‌ی کبری است و بر معرفت ایشان، قرون نخستین خلقت، استوار شده است. معرفت به معنای شناخت مراتب توحید، معانی، و مقامات الهی است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «المعرفة إثبات التوحيد أولاً، ثم معرفة المعاني ثانياً، ثم معرفة الأبواب ثالثاً، ثم معرفة الأنعام رابعاً...» (همان، ص. ۱۳)

اهل بیت (علیهم السلام)، نور واحدی هستند که از نور خداوند خلق شده‌اند. آنان مظهر اراده و مشیّت الهی هستند، و هر چه بخواهند خداوند اراده می‌کند. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «أنا محمد و محمد أنا، و قال محمد: أنا علی و علی أنا، و کلنا واحد من نور واحد.» (همان، ص. ۱۶)

### وجه سوم: پناه اولیا

فاطمه (علیها السلام) به معنای کسی است که دوستان خدا را از هر ضرر، عیب و زشتی جدا کرده و پاک می‌کند. این عنایت شامل ولیّ خدا و اهل بیت (علیهم السلام) است و در دنیا و عوالم بالاتر نیز اثرگذار است. به برکت نور فاطمیه، عوارض جسمانی، روحانی، قلبی، و عقلی از ولیّ خدا برداشته می‌شود. نور فاطمیه به معنای پاک بودن از عیوب، مانع گناه شدن، و جدا شدن از دنیای پست و حرکت به سوی معدن نور الهی است. این نور، حقیقتی است که انسان را از شرّ و زشتی جدا کرده و به مقام حسن و خوبی می‌رساند؛ مقامی که حسن، حسین و محسن) از آن مشتق شده‌اند.

مراتب فطم از مضرّات و عیوب شامل موارد زیر است:

۱. اعمال جوارحی

۲. اعمال قلبی مانند نیت و وسواس

۳. صفات قلبی مانند کبر و عجب

۴. اعتقادات عملی و اعتقادات مضرّ

۵. فطم روح و درون انسان از معایب

۶. رهایی از نفس اماره به واسطه‌ی رحمت الهی

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «معاشر الشیعة، کونوا لنا زیناً، و لا تكونوا علينا شیئاً، قولوا للناس حسناً، واحفظوا ألسنتکم و کفوها عن الفضول و قبیح القول.» (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۴۰۰، ح ۱) دنیا:

حضرت فاطمه (علیها السلام) سلام و آرامش است و انسان را بی عیب می‌کند. محبت ایشان، کلید حلّ مشکلات و گشاینده‌ی درهای بسته است. آخرت:

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «حَبُّ فَاطِمَةَ & ینفع فی مائه موطن، أیسر تلک المواطن الموت و القبر و المیزان و المحشر و الصراط و المحاسبة.» محبت حضرت فاطمه (علیها السلام) در صد موطن، از جمله مرگ، قبر، میزان، محشر، صراط و حسابرسی، نافع است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۷، ص ۱۱۶) مثال:

کسی که هنگام زمین خوردن بسمله نگفته، دچار ضرر دنیوی شده است؛ اما تسبیح خدا و یاد او، انسان را از غیب پاک می‌کند. حضرت فاطمه (علیها السلام)، کاشف ضرر و پاک‌کننده‌ی عیوب است.

#### وجه چهارم: فاطم اعدائی من رحمتی یوم فصل قضائی

فاطمه (علیها السلام) به معنای کسی است که کفّار و دشمنان خدا را از رحمت الهی جدا می‌کند. خداوند به عنوان حکم عدل، رحمت خود را به مستحقّان می‌دهد و کسانی که شایسته نیستند، از کمالات و رحمت الهی محروم می‌مانند. در این معنا، فاطمه (علیها السلام)، کفّار و دشمنان خدا را از رحمت و محبت خود باز می‌دارد.

لعن به عنوان دوری از رحمت الهی، یکی از مصادیق «فاطم اعدائی عن رحمتی» (مجلسی، ج ۲۷، ص ۱۱۶) است. این محرومیت، هم در دنیا و هم در آخرت تحقق می‌یابد؛ مانند دور کردن کفّار از بهشت. حضرت فاطمه (علیها السلام)، بزرگ‌ترین جلوه‌ی جلال و جمال الهی است و رحمت او نمایانگر جمال الهی

در دنیا و قیامت است.

خداوند رحمت را به بندگان مستحق اعطا می‌کند؛ چنان‌که در روایت آمده است: خداوند صد رحمت خلق کرد که نود و نه رحمت نزد او ذخیره شده و تنها یک رحمت برای تمام موجودات گسترده شده است. این رحمت شامل پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، امیرالمؤمنین (علیه السلام)، و اهل بیت (علیهم السلام) است، و سهم کفار از رحمت الهی محدود است.

اتحاد رحم، در اصل خلقت نورانی اهل بیت (علیهم السلام) نمایان است؛ چنان‌که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «شیعتک خلقوا من فاضل طینتنا». اهل بیت (علیهم السلام)، تجلی رحمت الهی در تمام ابعاد هستند؛ از محبت و لطف نسبت به دوستان گرفته تا غضب و لعن نسبت به دشمنان. غضب بجا، مانند نفرین کفار و کسانی که به خدا و رسول او اذیت می‌رسانند، یکی از تجلیات این رحمت است.

مصادیق این معنا در زندگی حضرت فاطمه (علیها السلام) شامل مواردی مانند دفاع از ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام)، نفرین دشمنان، و شهادت محسن (علیه السلام) است که همه نشان‌دهنده‌ی این حقیقت است: فاطمه (علیها السلام) کفار را از رحمت الهی جدا می‌کند و اولیای خدا را به رحمت او می‌رساند.

### وجه پنجم: فطم اعدائها عن حبها

فاطمه (علیها السلام) به معنای کسی است که دشمنانش را از رسیدن به گوهر محبت خویش بازداشته است. امام صادق (علیه السلام) از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل کرده‌اند که جبرئیل در شب معراج گفت: «سُمِّيتُ فِي الْأَرْضِ فَاطِمَةً لِأَنَّهَا فَطَمَتْ شِيعَتَهَا مِنَ النَّارِ وَفَطَمَ أَعْدَاءُهَا عَنْ حُبِّهَا». (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ص ۳۹۶)

محبت حضرت فاطمه (علیها السلام)، شرط تکامل نبوت است، چنان‌که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «ما تكاملت النبوة لنبی حتى أقرَّ بفضلها و محبتها». محبت اهل بیت (علیهم السلام)، به ویژه محبت حضرت فاطمه (علیها السلام)، آثار بزرگی در دنیا و قیامت دارد. در روایت سلمان فارسی آمده است: «حبّ فاطمة ينفع في مائة موطن، أيسر تلك المواطن الموت والقبر والميزان والمحشر والصراف والمحاسبة». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۷، ص ۱۱۶)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «من هات على حبّ آل محمد) هات شهيداً... هات مؤمناً

مستکماً للإيمان... فتح له في قبره بابان إلى الجنة... مات على السنة والجماعة» (ابن طاووس، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۱۵۹) محبت اهل بیت (علیهم السلام)، انسان را به مرتبه‌ی ایمان کامل می‌رساند و او را از عذاب الهی دور می‌کند.

محبت به اهل بیت (علیهم السلام)، انسان را فانی در محبوب می‌کند و او را به قالب محبوب درمی‌آورد. این محبت، هم پیش از قیامت و هم در قیامت، آثار بزرگی دارد؛ از جمله ورود به بهشت و همراهی با رسول خدا (صلی الله علیه و آله). نمونه‌ای از این محبت در حدیث ثوبان، مولای رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، آمده است که محبت شدید او به پیامبر اکرم ﷺ باعث بیماری‌اش شد و آیه‌ی «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ» (نساء: ۶۹) نازل شد.

محبت اهل بیت (علیهم السلام) نه تنها انسان را از زشتی‌ها پاک می‌کند، بلکه او را به مقام قرب الهی می‌رساند و از محبت دشمنان اهل بیت باز می‌دارد.

#### وجه ششم: فطم عما طمعوا

فاطمه (علیها السلام) به معنای کسی است که طمع دیگران را از دستیابی به مقام و وراثت الهی قطع کرده است. امام کاظم (علیه السلام) فرمودند: «خداوند می‌دانست که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در میان قبایل ازدواج می‌کند و آنان در ورثت مقام او طمع خواهند کرد، اما با ولادت فاطمه (علیها السلام)، خداوند این طمع را قطع کرد و او را فاطمه نامید، زیرا فطمت طمعهم؛ یعنی طمع آنان را قطع نمود.» (ابن بابویه، ۱۳۸۵ ج ۱، ص ۱۷۸)

#### وجه هفتم: مفضومة بالعلم

فاطمه (علیها السلام) به معنای کسی است که خداوند او را به واسطه‌ی علمش از دیگر خلائق جدا کرده است. امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «والله لقد فطمها الله بالعلم.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۶۰) فاطمه (علیها السلام) در علم و دانایی به مقامی رسیده که هیچ‌یک از مخلوقات به آن دست نیافته‌اند، زیرا او قلب پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است؛ همان پیامبری که شهر علم و معدن علم خداوند است.

#### وجه هشتم: مفطومه عن النظير

فاطمه (علیها السلام) به معنای کسی است که هیچ نظیری ندارد. او از هر شرّ و نقص جدا شده است و در تمام عوالم خلقت، هیچ نقصی در وجودش راه ندارد. این معنا نشان دهنده‌ی عصمت کامل حضرت فاطمه (علیها السلام) است.

#### وجه نهم: فطمت عن الشر

فاطمه (علیها السلام) به معنای کسی است که از هر گونه شرّ جدا شده است. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «لِفَاطِمَةَ تَسْعَةُ أَسْمَاءٍ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ... تَدْرِي لِأَيِّ شَيْءٍ سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ؟ ... قَالَ قُطِمَتْ مِنَ الشَّرِّ.» (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص. ۵۹۲) حضرت فاطمه (علیها السلام)، منبع خیر و از هر گونه شرّی مبرا است. تقابل خیر و شرّ نشان می‌دهد که در وجود حضرت که خود مصدر و اصل خیرات است، هیچ گونه نقص یا شرّی راه ندارد.

#### وجه دهم: مفطومه عن الدنيا و لذاتها

فاطمه (علیها السلام) به معنای کسی است که از دنیا و لذّات و شهوات آن جدا شده است. این جدایی نه تنها شامل شهوات حرام، بلکه حتی لذّات حلال نیز می‌شود. حضرت فاطمه (علیها السلام) از عالم طبیعت فارغ بوده و تمامی میل و شهوات او تنها در خدای تعالی قرار داشته است.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ لِفَطْمِهَا عَنِ الدُّنْيَا وَ لَذَاتِهَا وَ شَهَوَاتِهَا.» (کجوری، ج ۱، ص. ۲۹۷) شهدای کربلا نیز به درجه‌ای رسیده بودند که درد و سختی ناشی از ضربات دشمن را احساس نمی‌کردند، چراکه تمام توجه و میل آنان به سوی خداوند بود.

در وصف اولیای خدا آمده است: «إِنَّ أَوْلَى الْأَلْبَابِ ... جَعَلَ شَهْوَتَهُ وَ مَحَبَّتَهُ فِي خَالِقِهِ.» (خزاز رازی، ۱۴۰۱، ص. ۲۵۷) شهوات این انسان‌ها تنها در خالقشان قرار گرفته و هیچ میلی به دنیا ندارند. این حالت، از مقامات تبّتل تا فنا، راهی به سوی ملاقات خداوند است.

عارفان و اولیای الهی نیز در اثر تبعیّت از اهل بیت (علیهم السلام) به این مقام دست یافته‌اند. نمونه‌ای از این حالت در حدیث حارثه بن مالک آمده است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) او را به عنوان «عبدُ نورِ الله قلبه» (برقی، ۱۳۷۱، ص. ۲۴۶) ستودند؛ کسی که دنیا در نظرش بی‌ارزش بود و تنها به لقاء الله توجه

داشت.

حضرت فاطمه (علیها السلام)، به عنوان مفطومه عن الدنيا، نمونه‌ای از کسانی است که از دنیا و شهوات آن فارغ بوده و به سوی معدن نور الهی رهنمون شده‌اند. این جدایی از دنیا، آنان را به مقامی رسانده که دنیا برایشان بهشت نقد شده است و قیامت در همین دنیا برایشان تحقق یافته است.

#### وجه یازدهم: مفطومه هی و شیعتها و محبها عن النار

فاطمه (علیها السلام) به معنای کسی است که خود، شیعیان و محبانش را از آتش جهنم جدا کرده است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «سُمِّيتْ فَاطِمَةُ لِأَنَّهَا فَطَمَتْ هِيَ وَ شِيعَتُهَا مِنَ النَّارِ.» (طبری آملی صغیر، ۱۴۱۳، ص. ۱۴۸) حضور حضرت فاطمه (علیها السلام) در قیامت، آتش دوزخ را خاموش می‌کند و شراره‌های آن در جایی که ایشان حضور دارند، راه ندارد.

در قیامت، فاطمه (علیها السلام) برای محبان و شیعیان خود شفاعت می‌کند، حتی اگر آنان گناهان فراوانی داشته باشند. روایت شده است که حضرت فاطمه (علیها السلام) بر در جهنم می‌ایستد و از خداوند درخواست می‌کند که محبان و دوست‌داران او و اهل بیت (علیهم السلام) را از آتش نجات دهد. خداوند نیز می‌فرماید که وعده‌ی او حق است و محبان فاطمه (علیها السلام) را به جهنم نمی‌برد.

در روایتی دیگر، امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «فاطمه (علیها السلام) شیعیان و محبانش را همانند پرنده‌ای که دانه‌ی خوب را از میان دانه‌های بد جدا می‌کند، از آتش جهنم جدا می‌کند.» (فرات کوفی، ۱۴۱۰، ص. ۲۹۹)

#### وجه دوازدهم: فطمتک عن الطمث

فاطمه (علیها السلام) به معنای کسی است که از طمث (حالات طبیعی زنان) جدا شده است. ایشان برتر از ناموس طبیعت هستند و احکام عادی عالم طبیعت در حق ایشان جاری نمی‌شود.

طهارت حضرت فاطمه (علیها السلام) ذاتی است و هیچ‌گونه حدث و ناپاکی در وجود ایشان راه ندارد. اگر وضو می‌گرفتند یا غسل می‌کردند، این اعمال تنها جنبه‌ی تعبّدی داشت و برای تعلیم به خلق انجام می‌شد. چنان‌که در روایات آمده است، اهل بیت (علیهم السلام) تسبیح و عبادت می‌کنند و ملائکه نیز به واسطه‌ی آنان توانایی عبادت پیدا می‌کنند: «فَسَبَّحْنَا فَسَبَّحَتِ الْمَلَائِكَةُ وَ هَلَّلْنَا فَهَلَّلَتِ الْمَلَائِكَةُ وَ كَبَّرْنَا فَكَبَّرَتِ

الْمَلَأَكَّةُ» (استرآبادی، ۱۴۰۹، ص. ۴۸۸)

وجه سیزدهم: مفطومه از فواطم تسعه

فاطمه (علیها السلام) به معنای کسی است که از میان نه فاطمه‌ی دیگر جدا شده و برتر است.

وجه چهاردهم: مفطومه از نساء اهل زمانش در فضل و دین و حسب

فاطمه (علیها السلام) به معنای کسی است که از زنان زمان خود در فضل، دین و نسب جدا شده و برتر

است.

### جمع بندی و نتیجه گیری:

در جمع بندی این پژوهش، می توان چنین نتیجه گرفت که غنا و تعدّد معانی اسم فاطمه در میان اسامی حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)، نشان دهنده ی ژرفای وجودی و جامعیت مقامات آن بانوی یگانه است. معانی بلند این نام که هر یک ریشه در معارف الهی و روایات معصومین (علیهم السلام) دارند، صرفاً نشانه هایی برای هویت نیستند، بلکه هر کدام به مثابه دریاچه ای، پرتویی از حقیقت نورانی، فضائل بی شمار و نقش بی بدیل ایشان در نظام تکوین، تشریع و سلوک الی الله را بر ما می گشایند.

تحلیل دقیق وجوه لغوی و چهارده معنای روایی نام «فاطمه»، همگی مؤید این حقیقت اند که این اسامی، تجلّی صفات الهی و بیانگر مراتب کمالی آن حضرت هستند. این نام، نه تنها گواهی بر عصمت، طهارت و برکات وجودی ایشان می دهد، بلکه نقش محوری ایشان را به عنوان واسطه فیض، جداکننده حق از باطل، و پناهگاه دوستداران حقیقت آشکار می سازد.

بنابراین تعمّق در این نام مبارک و معانی بلند آن، نه تنها به شناخت عمیق تر شخصیت بی همتای حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) و درک عظمت جایگاه ایشان در پیشگاه الهی می انجامد، بلکه راهی است برای تقویت پیوند قلبی و عملی با آن اسوه حسنه و گامی مؤثر در مسیر فهم توحید، دستیابی به معرفتی فراتر از سطوح ظاهری، و در نهایت، وسیله ای برای تقرّب به ساحت قدس ربوبی و استکمال معنوی خواهد بود. امید است این مختصر، گامی در جهت تبیین گوشه ای از اقیانوس بی کران فضائل آن بانوی دو عالم بوده باشد.

## کتابنامہ:

### قرآن کریم

۱. ابن بابویہ، م. (۱۳۷۶ش). الامالی. کتابچی.
۲. \_\_\_\_\_. (۱۳۸۵ش). علل الشرایع. کتابفروشی داوری.
۳. \_\_\_\_\_. (۱۴۰۳ق). معانی الاخبار. دفتر انتشارات اسلامی وابستہ بہ جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم.
۴. ابن طاووس. ع. (۱۴۰۰ق). الطوائف فی معرفۃ مذاہب الطوائف. خیام.
۵. استرآبادی. ع. (۱۴۰۹ق). تاویل الآیات الظاہرہ فی فضائل العترۃ الطاہرۃ. مؤسسۃ النشر الإسلامی.
۶. برقی. ا. (۱۳۷۱ق). المحاسن. دار الکتب الإسلامیہ.
۷. جوہری بصری. ا. (بی تا). مقتضب الاثر فی النصّ علی الأئمۃ الإثنی عشر. طباطبائی.
۸. خزاز رازی. ع. (۱۴۰۱ق). کفایۃ الاثر فی النصّ علی الأئمۃ الإثنی عشر. بیدار.
۹. طبری آملی صغیر. م. (۱۴۱۳ق). دلائل الامامہ. بعث.
۱۰. کجوری. م. (بی تا). الخصائص الفاطمیہ. بی جا.
۱۱. کلینی. م. (۱۴۰۷ق). کافی. دار الکتب الإسلامیہ.
۱۲. کوفی. ف. (۱۴۱۰ق). تفسیر فرات. مؤسسۃ الطبع و النشر فی وزارۃ الإرشاد الإسلامی.
۱۳. مجلسی. م. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. دار إحياء التراث العربی.